

سیاست‌های مداخله‌ای دولت در صنعت فولاد کشور

الهه رحیم‌دوست^۱

چکیده

نگاهی به ظرفیت‌های معدنی و تولیدی کشور نشان می‌دهد با وجود توانایی‌های بالقوه ایران در ارتقاء صنعت فولاد، همواره این صنعت با مشکلات بسیاری دست‌به‌گریبان بوده است. از این رو، دولت به منظور رفع چالش‌های موجود در این حوزه، برخی اقدامات را در قالب قیمت‌گذاری محصولات فولادی، اعمال عوارض صادراتی و... به کار گرفته است. سابقه عملکردی دولت در این حوزه نشان می‌دهد وجود مداخلات دولت در بازار فولاد کشور، نتیجه مطلوبی را نصیب این بخش نکرده است. به عبارت دیگر، هرگونه مداخله دولت در حوزه‌های یادشده تبعاتی همچون عدم تمایز در سیاست‌گذاری مواد معدنی مختلف، کاهش کارایی بورس کالا در تعیین قیمت، عدم تأمین نیاز داخلی، عدم امکان نظارت دولت بر خرید و فروش سنگ آهن، کنسانتره، گندله و آهن اسنجی، فراهم آمدن زمینه سوءاستفاده واسطه‌گران، انحراف قیمت در محصولات تولیدی، عدم شناسایی سود توسط شرکت‌های تولیدی، نبود انگیزه برای ارتقای فناوری‌های تولید و... را با خود همراه داشته است. بنابراین انتظار می‌رود کاهش مداخلات دولت و واگذاری قیمت‌گذاری محصولات زنجیره فولاد به بورس کالا و تقویت بعد نظارتی دولت تنها راه برون‌رفت از مشکلات این بخش خواهد بود. به همین منظور برخی پیشنهادات از جمله: توقف روند مداخله‌ای دولت، ایجاد بازار رقابتی در صنعت فولاد، تأمین مواد اولیه زنجیره فولاد از داخل، فراهم نمودن زمینه‌های حضور گسترده بخش خصوصی، وضع عوارض صادراتی پلکانی و... ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: مداخلات دولت، صنعت فولاد، بورس کالا، فولاد، زنجیره، صادرات.

مقدمه

جهان با انقلاب صنعتی چهارم که با نام انقلاب صنعتی ۴/۰ نیز مشهور است همه صنایع و از جمله صنعت فولاد را به سمت استفاده از فناوری‌های دیجیتال رهنمون ساخته است. از این رو، تمرکز صرف بر رشد کمی تولید در صنعت فولاد و عدم توجه به پیشرفت‌ها و استراتژی‌های اتخاذ شده توسط دیگر کشورهای رقیب در این حوزه، می‌تواند منجر به عدم دستیابی به اهداف تعیین شده در این صنعت باشد.

وجود ظرفیت‌های بالقوه در منابع معدنی و زیرزمینی کشور موجب توسعه زنجیره ارزش فولاد در کشور شده است. از این رو، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی با توجه به برخورداری کشور از منابع غنی معدنی اهداف بلندمدت کشور را بر مبنای دستیابی به تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در سال‌های آتی (افق ۱۴۰۴) قرار داده‌اند. این در حالی است که مواجهه اقتصاد



مداخلات دولت در راستای پیشرفت صنعت فولاد ارائه گردد.

۱. جایگاه صنعت فولاد کشور

یکی از شاخص‌هایی که در جهان به منظور طبقه‌بندی یک کشور از نظر صنعتی بودن ملاک عمل قرار می‌دهند میزان توسعه صنعت فولاد در آن کشور است. بنابراین اتخاذ سیاست‌هایی که بتواند موجب رشد و توسعه صنعت فولاد در کشور شود، حائز اهمیت است. این موضوع در حالی دارای اهمیت است که ایران به دلیل قرار گرفتن بر روی کمربند کوه‌زایی پسین، از ذخائر بسیار غنی معدنی برخوردار گردیده است. به همین دلیل، عامل یادشده یکی از دلایل اصلی توجیه حمایت از صنعت فولاد و صنایع فولادی در کشور است.

نگاهی به آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد ایران به لحاظ تولید فولاد خام در رتبه دهم جهان قرار داشته و به ترتیب کشورهای همچون چین، هند، ژاپن، آمریکا، روسیه، کره جنوبی، ترکیه، آلمان و برزیل رتبه اول تا نهم را کسب کرده‌اند. همچنین ایران به لحاظ تولید شمش‌های فولادی در فوریه سال ۲۰۲۱ رشد ۱۱/۵ درصدی را در میان ده کشور برتر تولیدکننده فولاد در جهان کسب کرده است که این میزان رشد در میان ده کشور برتر بیشترین مقدار بوده است. پس از ایران کشور چین با رشد ۱۰/۹ درصد رتبه دوم و ترکیه با افزایش تولید ۵/۹ درصدی در جایگاه سوم رشد تولید ماه فوریه سال ۲۰۲۱ قرار گرفتند.

صنعت فولاد در ایران به‌عنوان یکی از صنایع مادر و همچنین به دلیل داشتن مزیت‌هایی همچون برخورداری از معادن غنی معدنی، نیروی کار ارزان، برخورداری از منابع انرژی نسبتاً ارزان از جمله برق و آب و... به‌عنوان یکی از بخش‌های مهم در اقتصاد ایران مطرح است. به همین دلیل بررسی نحوه عملکرد در این بخش از صنعت، به دلیل وجود ارتباطات پسین و پیشین زیاد با دیگر بخش‌های اقتصادی دارای اهمیت زیادی است. از آنجا که فعالیت بخش خصوصی به‌رغم برخی سیاست‌ها از جمله اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در کشور در بخش صنعت فولاد کم‌رنگ به نظر می‌رسد؛ از این رو، می‌توان گفت بخش عظیمی از تولیدات صنعت فولاد کشور در دست بخش دولتی است. از آنجا که سابقه عملکردی دولت در خصوص افزایش تصدیی‌گری این بخش طی سال‌های قبل چندان درخشان نبوده است. از این رو، بیم آن می‌رود که مداخلات دولت از طرق مختلف قانون‌گذاری و... مانع از پیشبرد اهداف تعیین‌شده در اسناد بالادستی کشور و رشد و توسعه این بخش گردد.

با توجه به اهمیت این موضوع و اهداف پیش‌رو در کشور، سعی شده است تا در این گزارش با نگاهی به جایگاه صنعت فولاد در کشور و پرداختن به روش‌های مختلف مداخلات دولت در صنعت فولاد کشور به بیان تبعات مداخلات دولت در این صنعت پرداخته شود و در ادامه با اشاره به ملاحظات امنیت اقتصادی در این حوزه، راهکارهای لازم به منظور اتخاذ تصمیمات صحیح در خصوص نحوه



طبق چشم‌انداز ترسیم‌شده، می‌بایست تا سال ۱۴۰۴ کشور به تولید سالانه ۵۵ میلیون تن فولاد، ۸۰۰ هزار تن مس کاتد، ۳۰۰ هزار تن روی فرآوری شده، ۱/۵ میلیون تن آلومینیوم و ۱۰ تن طلا مبادرت ورزد. هر چند اعمال تحریم‌ها در مبادلات بین‌المللی، موجب محدودیت‌های بسیاری در حوزه صادرات شده است اما به نظر می‌رسد اهداف تعیین‌شده با توجه به وجود پتانسیل‌های بالای معدنی در کشور اهداف قابل وصولی است. لازم به توضیح است که به‌رغم وجود مزیت‌های کشور در تولید مواد و صنایع معدنی، این بخش با مشکلات و چالش‌های بسیار زیادی دست‌وپنجه نرم می‌نماید که یکی از این چالش‌ها مداخلات دولت در صنعت فولاد کشور است به همین دلیل در بخش بعدی این گزارش به اشکال مختلف مداخلات دولت در این صنعت اشاره می‌شود.

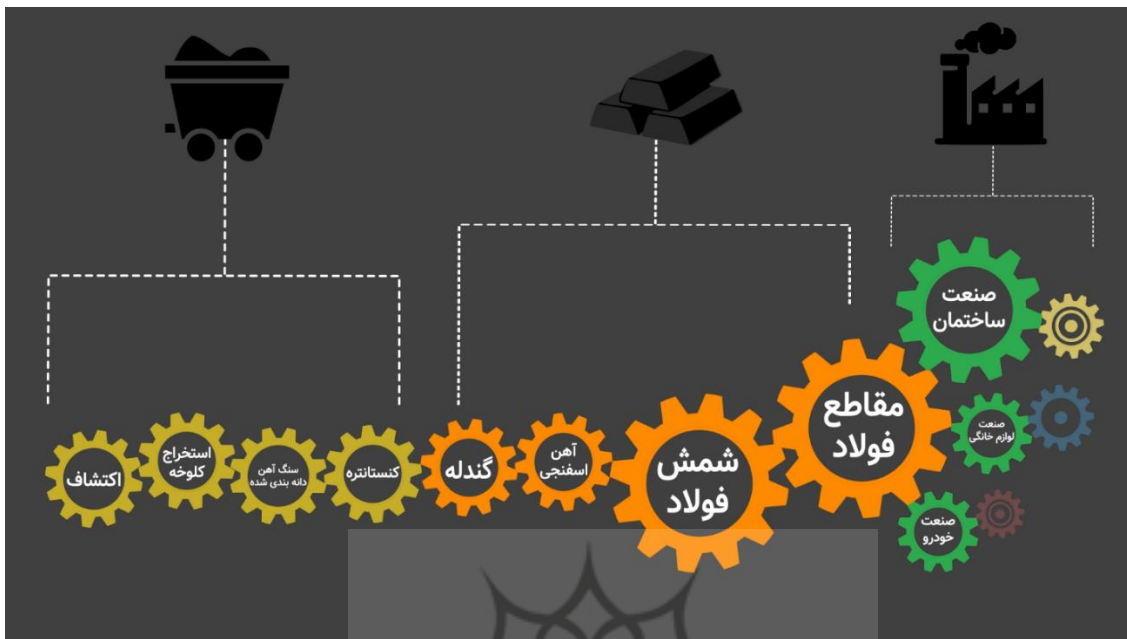
۲. مداخلات دولت در صنعت فولاد کشور

طبق تعریف؛ ارزش‌افزوده مابه‌التفاوت داده و ستانده است، اما در بخش معدن این مفهوم در بسیاری از زنجیره‌های آن رعایت نمی‌شود و معمولاً یک تورم حمایت‌شده در یکی از حلقه‌ها وجود دارد. یکی از زنجیره‌های معدنی که امروزه در بخش معادن بسیار مطرح است، زنجیره تولید آهن و فولاد است. این زنجیره که از سنگ‌آهن شروع می‌شود و بعد به آهن و شمش و ورق و صنایع ساخت محور پایین منتهی می‌شود یکی از پرجدال‌ترین حوزه‌ها و زنجیره‌ها می‌باشد.

بر اساس آخرین آمار انجمن جهانی تولید فولاد، میزان تولید فولاد خام ایران در نوامبر سال ۲۰۲۰، ۱۴/۱ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن افزایش داشته است و به ۲ میلیون و ۵۷۵ هزار تن رسیده است. همچنین ایران طی دوره ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۲۰، ۲۶ میلیون و ۳۶۹ هزار تن فولاد خام تولید کرده است که در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۱۹ (۲۳ میلیون و ۳۸۵ هزار تن)، رشد ۱۲/۸ درصدی را تجربه کرده است. طبق گزارش منتشر شده وقوع بحران کرونا بر روی میزان تولید فولاد در جهان تأثیرگذار بوده و تولید جهانی فولاد را کاهش داده است اما طبق آمار موجود و منتشر شده توسط این مرکز از بین کشورهای عمده تولیدکننده فولاد، تنها تولید فولاد خام ایران، چین و ترکیه در میانه بحران کرونا صعودی بوده است که در میان این سه کشور نیز در یازده ماهه نخست سال ۲۰۲۰، بیشترین رشد تولید فولاد خام متعلق به ایران بوده است.

نگاهی به اسناد برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در کشور نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان کشور با هدف کاهش وابستگی به صادرات نفت و دوری از اقتصاد تک‌محصولی، استراتژی معدن به‌جای نفت را به‌عنوان یکی از برنامه‌ها در دستور کار قرار داده‌اند تا جایی که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مشاهده می‌شود با فرض قیمت فوب فولاد، امید آن می‌رود به هدف تولید ۷۰۰ میلیون تن ماده معدنی و ۵۵ میلیون تن فولاد خام، دست یابیم تا از این طریق کشور به پوشش ۶۰ درصدی درآمدهای نفتی از محل درآمد حاصل از تولید مواد معدنی و فولاد دست پیدا کند. همچنین

شکل ۱: زنجیره تولید آهن و فولاد



سیستم حمل و نقل، صنایع مربوط به تولید و انتقال برق، ساختمان و... در رشد و توسعه صنعت فولاد هر کشور بسیار اثرگذار می‌باشد و از آنجا که وجود این رابطه به شکلی دوسویه برقرار است، از این رو، می‌توان گفت رونق صنعت فولاد نیز بر بقیه صنایع کشور تأثیرگذار است. به همین دلیل با عنایت به اهمیت بالای فولاد در اقتصاد، می‌توان گفت قیمت آهن و فولاد به صورت مستقیم ابعاد مختلف اقتصاد کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از راه‌هایی که به منظور شفاف‌سازی مبادلات و توسعه صنایع و همچنین واقعی شدن قیمت‌ها می‌تواند در پیش گرفته شود ورود فولاد و تمام صنایع بالادستی تولید این گونه محصولات به بورس کالا در کشور است. با توجه به این که عرضه کالاها در بورس، مانع از هرگونه دخالت در روند قیمت‌گذاری کالاها می‌گردد، بنابراین انتظار بر آن است تا با عرضه فولاد و محصولات فولادی در بورس کالای کشور

نزدیک به ۶۰ درصد ارزش افزوده بخش معدن، مربوط به معادن سنگ آهن می‌باشد و از سوی دیگر فولاد نیز به عنوان یکی از صنایع استراتژیک و مادر، تأمین‌کننده ارز صادراتی و مصرف داخلی است، از این رو، بیشترین تناقضات و جدال‌ها در حوزه سیاست‌گذاری بخش معدن، در این حوزه است. در حال حاضر دولت از ابزارهای مختلفی برای مدیریت زنجیره ارزش فولاد استفاده می‌کند، به همین دلیل در این بخش از گزارش به گوشه‌ای از مداخلات دولت در این صنعت اشاره می‌نمایم.

۱-۲. عرضه فولاد در بورس کالا

صنعت فولاد در تولید، اقتصاد و صنعتی شدن هر کشور نقش به‌سزایی دارد. تولید فولاد از مرحله استخراج سنگ آهن تا تهیه مواد مختلف فولادی علاوه بر ایجاد مشاغل مختلف، موجب رونق اقتصادی در بسیاری از صنایع کشور خواهد شد. رونق صنایع کشتی‌سازی، اتومبیل‌سازی، بسته‌بندی،

سقف رقابت، واگذاری قیمت‌گذاری محصولات پایین‌دست زنجیره به سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است، در زمینه عرضه نیز دولت با تعیین کف عرضه معادل ۱۲۰ درصد نیاز سال ۱۳۹۶ (میزان تقاضای بورس) مبادرت به تعیین تقاضا کرده است و طبق این دستورالعمل علاوه بر محدودیت تقاضا به سامانه بهین‌یاب و الزام خریداران ورق به عرضه ۷۵ درصد محصولات در بورس بر ممنوعیت خرید محصولات فولادی توسط کارگزاران در بورس نیز تأکید شده است. همچنین در این دستورالعمل بر محدودیت صادرات و ممنوعیت واردات به قصد صادرات مجدد نیز تأکید شده است.

موارد تأکید شده در دستورالعمل ستاد تنظیم بازار در سال ۱۳۹۷ و مقارن شدن آن با اعمال تحریم فلزات اساسی در تاریخ ۱۳ خرداد ماه ۱۳۹۷ موجب گردید تا با کاهش صادرات به واسطه اعمال این‌گونه محدودیت‌های بین‌المللی از یک‌سو و همچنین رکود بخش ساختمان در کشور از سوی دیگر، شاهد تنگ‌تر شدن تقاضای حقیقی فولاد در کشور باشیم این در حالیست که با حذف خرید کارمزدی از بورس کالای ایران نظاره‌گر انتقال تقاضای واقعی به بازار آزاد در کشور بودیم. همچنین محدودیت تقاضا به سامانه بهین‌یاب منجر به برآورد بیش از مقدار واقعی تقاضا در کشور شد زیرا اطلاعات سامانه بهین‌یاب بر اساس ظرفیت بنگاه‌های در دو شیفت کاری منظور شد و از سوی دیگر تعیین سقف رقابت در این دستورالعمل با تشدید شکاف قیمت بورس و بازار

شاهد قیمت‌گذاری مناسب محصولات این صنعت مادر در کشور باشیم.

وجود شرایط خاص اقتصادی در کشور و با عنایت به مناسبات خاص بین‌المللی به دلیل نقض برجام توسط طرف‌های آمریکایی و در نتیجه اعمال و تشدید تحریم‌های خارجی، به منظور کنترل و تنظیم بازار فولاد در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ دولت با دخالت در نحوه قیمت‌گذاری در بازار فولاد میزان عرضه فولاد را تحت کنترل و نظارت خود درآورد. به همین منظور با تعیین قیمت پایه شمش فولاد برای معاملات در بورس و سپس عرضه تولیدکنندگان بزرگ فعال در عرصه تولید فولاد (که میزان آن نیز توسط دولت تعیین می‌شود) قیمت نهایی معامله شمش فولاد در بورس کالا مشخص گردید. همچنین تمامی مواد اولیه در زنجیره تأمین فولاد از سنگ آهن تا آهن اسفنجی نیز بر اساس فرمول‌هایی که توسط دولت تعیین شده است، قیمت‌گذاری می‌شود. بدین‌صورت که قیمت کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی به صورت ضرایبی از متوسط سه‌ماهه قیمت فروش نقدی شمش فولاد خوزستان در بورس کالا خواهد بود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد این‌گونه اقدامات دولت نه تنها نتوانسته است مشکلات زنجیره فولاد را حل و فصل نماید، بلکه بر مشکلات موجود افزوده است. تا جایی که می‌توان گفت آنچه در دستورالعمل ستاد تنظیم بازار در زمینه قیمت‌گذاری محصولات فولادی مصوب سال ۱۳۹۷ آمده است، معطوف به تغییر فرمول قیمت پایه محصولات فولادی و تعیین

۲-۲. اعمال سیاست‌گذاری در بازار فولاد

باتوجه به این‌که یکی از وظایف بسیار مهم دولت نظارت و کنترل بر قیمت‌هاست، انتظار می‌رود در بخش صنعت فولاد کشور نیز نظارت‌های دولت مانع از بهم‌ریختگی و افزایش لجام‌گسیخته قیمت‌ها و در نهایت ایجاد فساد گردد. این نظارت که همواره با اعمال برخی سیاست‌ها از جانب دولت به‌وقوع می‌پیوندد چنانچه دقیق و حساب‌شده و با در نظر گرفتن تمامی ابعاد بازار کالاها صورت نپذیرد، تبعاتی به‌مراتب بدتر از عدم نظارت دولت در پی خواهد داشت.

شواهد نشان می‌دهد قیمت‌گذاری فولاد در تمام کشورها با تأسی از قیمت‌های جهانی صورت می‌پذیرد که عواملی همچون میزان عرضه و تقاضا، میزان موجودی انبار، قیمت انرژی و... تعیین‌کننده قیمت فولاد در این بازار خواهد بود. بنابراین نوسانات قیمتی در بازارهای جهانی تأثیر زیادی بر صنعت و بازارهای بین‌المللی دیگر کشورها می‌گذارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت هرگونه نوسان قیمتی می‌تواند به‌طور مستقیم آثار مثبت و منفی خود را بر عملکرد شرکت‌های فعال در صنعت فلزات و صنایع مرتبط با آن بگذارد. در کشور ما نیز قیمت فولاد بر اساس قیمت‌گذاری کشورهای (CIS) صورت می‌پذیرد اما چون شرکت‌های تولیدکننده فولاد در کشور عمدتاً شرکت‌های تولیدی و دولتی هستند، تأثیرگذاری سیاست‌های دولتی در زمینه قیمت‌گذاری فولاد و

آزاد (تغییر قیمت بازار آزاد متناسب با تغییرات نرخ ارز) موجب شکل‌گیری تقاضای کاذب در این بازار شد این موارد زمانی در بازار فولاد در حال وقوع بود که با تعیین کف عرضه در بورس کالا، شاهد عدم تعادل عرضه و تقاضا در بازار فولاد کشور بودیم.^۱ یکی دیگر از ابعاد ناکارآمدی دخالت دولت در بورس فولاد، ابطال برخی از معاملات است. انجام یک معامله در بورس و یا بازار ناشی از عرضه کالا توسط تولیدکننده و تقاضای کالا توسط تقاضاکننده است که در نهایت در قیمتی پذیرفته‌شده میان عرضه‌کننده و تقاضاکننده معامله صورت می‌پذیرد. اما متأسفانه در بورس فولاد کشور شاهد ابطال برخی معاملات توسط ستاد تنظیم بازار وزارت صنعت، معدن و تجارت در کشور می‌باشیم. این ابطال که بدون نظر مشورتی انجمن فولادسازان کشور در حال وقوع است با روح حاکم بر معاملات در بورس کالا در تناقض است. زیرا اعتبار بورس فاصله گرفتن از قیمت‌گذاری دولتی و کشف قیمت توسط عرضه و تقاضاست. این موضوع نه‌تنها گرهی از مشکلات بخش فولاد کشور را باز نمی‌کند بلکه باعث رجوع تولیدکننده به بازارهای آزاد می‌گردد و از آنجا که نرخ فولاد در بازار آزاد توسط دلان این عرصه تعیین می‌شود شاهد افزایش قیمت تمام‌شده فولاد و در نهایت افزایش ضربه‌پذیری تولید ملی خواهیم بود. بنابراین دخالت دولت در این بازار به‌صورت تبیین‌شده، مسیر مبادلات غیرشفاف را در اقتصاد کشور هموار می‌سازد.

۱. آسیب‌شناسی صنعت فولاد کشور با تأکید بر سیاست‌های تنظیم بازار در سال ۱۳۹۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، گروه پژوهش‌های صنعت و معدن، زمستان ۱۳۹۷.

یکی دیگر از عوامل التهاب‌آفرین بازار فولاد بوده است و از این رو، انتظار می‌رفت این قانون با ظرفیت‌سنجی تولید واقعی تولیدکنندگان صورت پذیرد و تخصیص سهمیه به تولیدکنندگان بر مبنای درستی پایه‌گذاری می‌شد. بنابراین می‌توان گفت به دلیل گستردگی صنعت فولاد اعمال یک قانون و دستورالعمل برای کل این صنعت با توجه به این که از سنگ آهن تا آلیاژهای مختلف دارای مشتری‌های خاص خود می‌باشد، نمی‌توان یک دستور واحد صادر نمود.

۲-۳. وضع عوارض صادراتی

دولت با اتخاذ برخی روش‌ها از جمله اعمال عوارض صادراتی سعی در حمایت از برخی صنایع داخلی در کشور دارد. در صنعت فولاد نیز یکی از روش‌های دولت برای کمک به این صنعت و جلوگیری از کمبود مواد اولیه تولید و همچنین محصولات زنجیره فولاد، اعمال عوارض صادراتی در این حوزه است. شواهد نشان می‌دهد منابع معدنی کشور به لحاظ درجه خلوص و نوع کاربری تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند و در نتیجه اعمال عوارض صادراتی در این خصوص می‌بایست با دقت و حساسیت بیشتری صورت پذیرد. به عنوان مثال برخی سنگ‌های معدنی از جمله سنگ معدن آهن شامل دو نوع هماتیته و مگنتیتی می‌باشند؛ این در حالی است که سنگ آهن مگنتیتی در مقایسه با هماتیته، دارای درجه خلوص بالاتری است و در پروسه فرآوری و تولید فولاد در کشور کاربرد بالایی دارد، اما در مقابل سنگ آهن هماتیته به دلیل درجه خلوص پایین کاربرد

محصولات فولادی بسیار بیشتر است. در این راستا شیوه‌نامه قیمتی توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۹ به تولیدکنندگان فعال در این عرصه ابلاغ گردید. این شیوه‌نامه که با هدف تنظیم بازار داخل و حمایت از صادرات در ۵ ماده به تصویب رسیده است، یکی دیگر از مواردی است که می‌تواند صادرات فولاد در کشور را با برخی مشکلات روبه‌رو نماید. برخی کارشناسان ورود مجلس به مسائل بالادستی زنجیره فولاد را ضروری ندانسته‌اند و مشکل اصلی را در شیوه توزیع و فروش شمش فولاد تا مرحله پایانی زنجیره فولاد می‌دانند به همین دلیل، صدور دستورالعمل برای کل زنجیره از سنگ آهن تا محصول نهایی را یکی از عوامل به هم ریختگی در زنجیره و ایجاد عدم تعادل در بازار سرمایه و سایر بخش‌های مربوط به این صنعت می‌دانند. یکی دیگر از ایراداتی که به عقیده برخی کارشناسان بر این قانون مترتب است، مشروط نمودن صادرات به مازاد عرضه هفتگی در بورس کالا است. این اقدام در شرایطی که کشور در تحریم‌های خارجی به سر می‌برد و صادرات فولاد نیازمند برنامه‌ریزی قبلی و هماهنگی‌های متعدد با مشتریان و ذی‌نفعان به منظور دور زدن تحریم‌ها می‌باشد، با رونق صادرات محصولات فولادی در تضاد خواهد بود زیرا صادرات فولاد برنامه‌ریزی قبلی نیاز دارد. به عقیده این کارشناسان بهتر است به منظور تأمین نیاز داخلی و همچنین توسعه صادرات، صادرات کلیه محصولات فولادی به میزان مازاد کف عرضه مجاز شناخته شود. همچنین به عقیده این کارشناسان ملاک قرار دادن سهمیه‌های اعلام شده در سامانه بهین‌یاب،

وضع عوارض صادراتی برای مواد معدنی و فلزی سوق داد. بنابراین دولت برای کنترل قیمت در بازار فولاد کشور مجبور به تمدید انواع بخشنامه‌ها و وضع قوانین متعدد در این حوزه گردید. این در حالی است که اتخاذ این‌گونه تصمیمات و دخالت دولت در بازار فولاد کشور نه تنها نتوانست مصرف‌کننده نهایی را منتفع نماید بلکه با ایجاد اختلاف قیمت میان محصولات زنجیره فولاد زمینه سوءاستفاده برخی از افراد سودجو را فراهم آورد و موجب ایجاد رانت و فساد در این بازار گردید.

باتوجه به این‌که یکی از دلایل توجیه‌کننده مداخله دولت در سیستم قیمت‌گذاری کالاها، کنترل تورم و کمک به زنجیره نهایی تولید و مصرف کشور است، اما نگاهی به تورم محصولات پایین‌دست بخش فولاد کشور از جمله، خودرو، مسکن، لوازم خانگی و... گواهی بر عدم کارایی این‌گونه مداخلات دولت در سیستم قیمت‌گذاری است زیرا تورم موجود در این کالاها عدم انتفاع مردم از این‌گونه مداخلات را گواهی می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت دخالت دولت در بازار فولاد کشور دارای معایب بسیاری است که در ادامه به برخی از این معایب اشاره می‌نماییم.

۳. تبعات مداخلات دولت در بازار فولاد کشور

مزیت ایران به دلیل برخورداری از مواد اولیه و انرژی ارزان، در تولید انواع محصولات زنجیره فولاد باعث شده است تا به‌رغم اعمال تحریم‌های ظالمانه علیه کشور و افزایش هزینه‌های تولید، معادن و صنایع فولادی کشور بتوانند همپای رقبای خارجی خود که

زیادی در صنعت فولاد کشور نخواهد داشت. آنچه در عمل و در نحوه وضع عوارض صادراتی کشور مشاهده می‌شود اعمال ۲۵ درصد عوارض صادراتی بر روی صادرات سنگ‌آهن به‌طور کلی است. در این صورت است که به‌رغم ارزآوری ناشی از صادرات سنگ‌آهن هماتیستی شاهد عدم صادرات این مواد معدنی در کشور خواهیم بود. در موردی مشابه نیز اعمال ۱۰ درصد عوارض صادراتی بر آهن اسفنجی در حالی در کشور به تصویب می‌رسد که واحدهای تولید آهن اسفنجی برای تأمین بخشی از نیاز خود به قطعات و لوازم یدکی و همچنین تکمیل پروژه‌های سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای به ارز حاصل از صادرات نیاز دارند که این اقدام توسط مسئولین ذی‌ربط مانع از صادرات به‌موقع این محصول و ارزآوری مطلوب آن می‌گردد. بنابراین عدم تفکیک و مدیریت صحیح در نحوه اعمال عوارض صادراتی می‌تواند اهداف تعیین‌شده از اجرای یک قانون را برآورده نسازد.

باتوجه به موارد یادشده می‌توان گفت سیاست‌های مداخله‌ای دولت در تنظیم بازار محصولات زنجیره فولاد از جمله قیمت‌گذاری، الزام به بورس کالا، وضع عوارض صادراتی، ایجاد انواع محدودیت‌ها برای صادرات و سهمیه‌بندی مواد اولیه و... منجر به ایجاد شکاف قیمتی قابل‌توجهی میان قیمت‌های داخلی و جهانی شده که تقارن آن با کاهش ارزش ریال، با ایجاد جذابیت برای صادرکنندگان محصولات زنجیره فولاد، صادرات این محصولات را افزایش داده است. رشد صادراتی این محصولات که به‌همراه کاهش عرضه داخلی در کشور بوده، دولت را به‌سمت

صادراتی دارند به دلیل اعمال این‌گونه عوارض از انتفاع ساقط می‌شوند. بنابراین باید گفت اعمال یک سیاست واحد، به منظور جلوگیری از خام‌فروشی و... در صنایع معدنی مختلف کشور و استفاده از اهرم‌هایی همچون اعمال عوارض، تعرفه و... در برخی از موارد منجر به کاهش بهره‌وری و عملکرد صحیح آن حوزه می‌گردد.

- کاهش کارایی بورس کالا در تعیین قیمت

باتوجه به این‌که بورس کالا مکانی بر پایه رقابت، میان عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان است؛ از این‌رو، انتظار می‌رود ورود فولاد و محصولات فولادی به بورس کالا موجب گردد تا قیمت این محصولات در فضایی رقابتی و بدون وجود رانت و فساد تعیین گردد، اما وجود مداخلات دولت در قالب ابطال برخی معاملات، تعیین قیمت پایه و... موجب می‌گردد تا بورس کالا به‌عنوان یک نهاد با محوریت دولت به محلی برای اعمال سیاست‌های دولت تبدیل شود و کارایی خود را از دست بدهد. در نتیجه تمایل تولیدکنندگان به عرضه کالاهای خود در بورس کالا از بین خواهد رفت که در نتیجه شاهد معاملات دستوری و غیرشفاف خواهیم بود که زمینه ایجاد رانت و فساد را در کشور فراهم خواهد آورد.

- عدم تأمین نیاز داخلی

وجود مداخلات دولت در سیستم قیمت‌گذاری زنجیره فولاد کشور موجب پدیدار شدن شکاف قیمتی عمیقی میان قیمت‌های داخلی و جهانی بخش فولاد شده است. این در حالی است که کاهش ارزش ریال تولیدکنندگان را ترغیب به صادرات محصولات

بزرگ‌ترین شرکت‌های تولیدکننده فولاد در جهان هستند همچنان در بازارهای جهانی حضور داشته باشند. حال چنانچه به هر دلیلی سودآوری تولیدکنندگان در داخل کشور کاهش یابد و یا موانع جدی دیگری سد راه فعالیت تولیدکنندگان این عرصه شود، رسیدن به اهداف تعیین‌شده در اسناد بالادستی کشور غیرممکن خواهد بود. شاید بتوان یکی از دلایل ریشه‌ای عدم توازن در زنجیره فولاد و یا دیگر مواد معدنی کشور را مداخلات دولت در سیستم قیمت‌گذاری آن‌ها دانست. برخی از آثار سوء مداخله‌ای دولت در سیستم قیمت‌گذاری محصولات فولادی کشور را می‌توان به شکل زیر بیان نمود.

- عدم تمایز در سیاست‌گذاری مواد معدنی مختلف

اعمال عوارض صادراتی برای همه مواد معدنی به‌صورت یکسان (درحالی‌که برخی از این مواد معدنی استخراج‌شده مصرف داخلی ندارند بلکه دارای بازارهای صادراتی هستند) یکی از موارد چالش‌برانگیز در سیستم سیاست‌گذاری کشور در حوزه فولاد است. به‌عنوان مثال سنگ‌آهن‌های هماتیته در غرب کشور، که خوراک کارخانه‌های سیمان اقلیم کردستان و یا کشور عراق می‌باشند، با اعمال عوارض بر سنگ‌آهن (بدون تفکیک سیاست‌گذار میان سنگ‌آهن هماتیته و مگنتیتی) از درجه انتفاع خارج شده و صادرات این نوع از سنگ‌آهن، مختل می‌گردد و معادن مربوطه به تعطیلی کشیده می‌شوند. این موضوع در مورد بقیه مواد معدنی مانند منگنز، مرمر و تراورتن، منیزیت، فلئوئور کلسیم و... نیز که بازار داخلی ندارند اما بازار



کشور که دو نرخى شدن قيمت اين گونه کالاها را با خود به همراه داشته باشد، مى‌تواند زمينه ورود واسطه‌ها در بخش فولاد کشور را مهيا سازد. ورود واسطه‌ها در قالب فعاليت‌هاى همچون صادرات با کارت‌هاى بازرگانى يکبار مصرف، استفاده از نواقص موجود در سامانه بهين ياب جهت تخصيص سهميه، احتکار و... را مى‌توان به عنوان نمونه‌اى از زمينه‌هاى ورود واسطه‌ها در اين عرصه نام برد. به همين دليل هدف اصلى از دخالت دولت که جلوگيرى از افزايش قيمت و انتقال تورم به مصرف‌کننده نهايى است محقق نخواهد شد، بلکه زمينه ورود واسطه‌ها و دلالت در اين صنعت مهيا مى‌گردد.

- انحراف قيمت در محصولات توليدى

همان‌طور که اشاره شد تلاقى عرضه و تقاضا در بازار بهترين روش به منظور کشف قيمت صحيح يک کالا مى‌باشد. در بازار فولاد و محصولات فولادى نيز بهترين روش به منظور تعيين قيمت محصولات زنجيره فولاد ورود آن‌ها به بورس کالايى کشور است. اما مداخلات دولت در سيستم قيمت‌گذارى مانع از کشف قيمت واقعى آن‌ها مى‌گردد در اين صورت شاهد قيمت‌گذارى‌هاى دستورى در اين بازار خواهيم بود. اين در حالى است که تعيين دستورى قيمت‌ها منجر به ايجاد انحراف در قيمت محصولات پايين دست اين زنجيره خواهد شد. تا جايى که قيمت محصولاتى همچون خودرو، لوازم خانگى، ساختمان و ... به رغم مداخلات قيمتى دولت از تورم بسيار

توليدى مى‌نمايد و در نتيجه شاهد عدم وجود جذابيت برآيه ارائه محصولات به بازارهاى داخلى خواهيم بود. بنابر اين يکى از آثار مداخلات دولت در سيستم قيمت‌گذارى صنعت فولاد را مى‌توان عدم توان کشور در تأمين نياز داخلى دانست.

- عدم امکان نظارت دولت بر خريد و فروش سنگ‌اهن، کنسانتره، گندله و آهن اسنجمى

باتوجه به اين که عرضه مستمر سنگ‌اهن، کنسانتره، گندله و آهن اسنجمى در بورس کالا انجام نمى‌شود، امکان نظارت اصولى بر بازار داخلى و صادراتى اين محصولات توسط دولت سلب شده است. به طورى که به دليل نياز زنجيره به محصولات فوق، خريد و فروش نقدى انواع محصولات فرآورى شده زنجيره فولاد، نه با هدف تأمين نياز زنجيره، بلکه با هدف کسب سود از طريق واسطه‌گرى رونق پيدا کرده است. واردات مواد اوليه به دليل شکاف ميان قيمت‌هاى داخلى و جهاني، رقابت‌پذيرى و سودآورى توليدکنندگان کشور را کاهش مى‌دهد و همين امر فضاى مساعدى را براى فعاليت‌هاى اقتصادى غيرمولد ايجاد مى‌کند.^۱

- فراهم آمدن زمينه سوءاستفاده واسطه‌گران

تجربه کشور طى سال‌هاى مختلف نشان مى‌دهد اتخاذ سياست‌هاى که منجر به دو نرخى شدن قيمت کالا و خدمات در کشور مى‌شود محلى براى ورود سفته‌بازان و دلالت به آن حوزه خواهد بود. بنابر اين مداخلات دولت در بازار فولاد و محصولات فولادى

۱. بهادرى، صادق احمدى، بابک و مهدى، بررسى نقش تنظيم‌گرى دولت در توازن زنجيره فولاد، مرکز پژوهش‌هاى مجلس، ارديبهشت ۱۳۹۹، شماره مسلسل ۱۶۹۹۳.

متغیرهای اقتصادی پیش‌رو در کشور مبادرت به برنامه‌ریزی نمایند، از این‌رو، مداخلات دولت از کانال تغییر مکرر در سیاست‌ها و استراتژی‌ها می‌تواند منجر به آشفته‌گی در برنامه تولیدی فعالان اقتصادی گردد. از آنجا که ارتقای فناوری‌های تولید نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت مالی است؛ از این‌رو، وجود نابسامانی در متغیرهای کلان اقتصادی و تعدد قوانین و مقررات صادراتی و همچنین ابلاغ بخشنامه‌های متعدد زمینه این‌گونه برنامه‌ریزی‌ها را در کشور مختل می‌نماید و در نهایت انگیزه‌ای به‌منظور ارتقای فناوری‌های تولید و استخراج و در نهایت کشف جدید منابع را برای فعالان این عرصه باقی نخواهد گذاشت. مداخلات دولت در سیستم قیمت‌گذاری فولاد و محصولات فولادی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. بنابراین می‌توان یکی دیگر از تبعات مداخلات دولت در بازار فولاد را نبود انگیزه کافی برای ارتقای فناوری‌ها تولید دانست.

۴. ملاحظات امنیت اقتصادی

وجود منابع غنی معدنی در کشور، ایران را به یکی از کشورهای ثروتمند به‌لحاظ منابع زیرزمینی تبدیل کرده است. از این‌رو، استفاده از این منابع خدادادی چنانچه با برنامه‌ریزی و بر اساس استراتژی دقیق و حساب‌شده صورت پذیرد نه تنها می‌تواند منافع اقتصادی زیادی برای کشور به‌همراه داشته باشد، بلکه با ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی، منجر به حفظ و تحکیم امنیت اقتصادی و ملی در کشور می‌گردد. یکی دیگر از مزایای کشور که می‌تواند

شدیدی در سال گذشته برخوردار بوده است. از این‌رو، می‌توان گفت یکی دیگر از تبعات مداخلات دولت در بازار فولاد کشور انحراف در قیمت محصولات فولادی خواهد بود.

- عدم شناسایی سود توسط شرکت‌های تولیدی

وجود مداخلات دولت در سیستم قیمت‌گذاری زنجیره فولاد کشور موجب زمینه‌سازی برخی سوءاستفاده‌های مالی در این عرصه شده و پایه‌گذار ایجاد رانت و فساد در پروسه تعیین قیمت و در نهایت بهره‌برداری شخصی عده یا گروهی خاص در کشور می‌شود. به‌عنوان مثال در قوانین صادراتی کشور با اعمال عوارض ۲۵ درصدی مانع از صادرات سنگ‌آهن به خارج می‌شویم و از سوی دیگر در داخل نیز به‌منظور جلوگیری از کمبود بخش پایین‌دست، قیمت‌ها به‌شکلی دستوری ۵۰ درصد پایین‌تر از نسبت‌های جهانی، به‌نفع حلقه شمش فولاد (به‌عنوان مصرف‌کننده سنگ‌آهن) اعلام می‌شود. بنابراین معادن کوچک به‌دلیل عدم برخورداری از انتفاع، ناچار به تعطیلی خواهند بود. نگاهی به سابقه عملکرد دولت در روند قیمت‌گذاری بازار فولاد و محصولات فولادی نشان می‌دهد که این‌گونه مداخلات قیمتی دولت منجر به عدم شناسایی سود توسط شرکت‌های تولیدی خواهد شد.

- نبود انگیزه برای ارتقای فناوری‌های تولید

یکی از مشوق‌های اصلی در تداوم و گسترش امر تولید وجود ثبات در متغیرهای اقتصادی کشور است. باتوجه به این‌که فعالان اقتصادی می‌بایست در محیطی با ثبات اقدام به فعالیت نمایند و بر اساس

داده است که این موضوع امنیت اقتصادی و ملی کشور را خدشه‌دار می‌نماید. از سوی دیگر، حجم نیروی کار اشتغال‌یافته در صنعت فولاد کشور و در کل زنجیره تولید فولاد بسیار زیاد است؛ از این رو، اتخاذ تصمیماتی که بتواند فعالیت هر یک از بخش‌های این زنجیره را مختل نماید و یا رو به اضمحلال بکشد، می‌تواند تهدیدی بر علیه حفظ امنیت اقتصادی و ملی کشور باشد.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار

نگاهی به برخی فاکتورهای اقتصادی طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد، مواجهه ایران با برخی مسائل بین‌المللی و داخلی از جمله اعمال تحریم‌های خارجی و کاهش ارزش پول داخلی در مقابل دلار موجب گردید تا دولت به منظور کنترل بازار محصولات فولادی و معدنی، از روش‌های مختلفی به‌عنوان ابزارهای پیش‌روی خود استفاده نماید. استفاده از ابزارهایی مانند الزام به عرضه محصولات در بورس کالا، وضع عوارض، قیمت‌گذاری، سهمیه‌بندی و ... نتیجه‌ای به‌جز در اختیار گرفتن کامل بازار فولاد و محصولات فولادی برای دولت نداشت این در حالی بود که دولت با هدف کنترل قیمتی و افزایش نظارت بر عملکرد بازار فولاد تصمیم به ورود در این عرصه داشت اما متأسفانه شاهد نتیجه‌ای برعکس در کشور بودیم، به نحوی که افزایش لجام‌گسیخته قیمت محصولات پایین دست، نارضایتی اغلب افراد جامعه را برانگیخته است. تا حدی که می‌توان گفت حضور دولت در این بازار موجب

در راستای گسترش صنایع معدنی و تولیدی بسیار مفید واقع شود وجود نیروی کار زیاد و نسبتاً ارزان در کشور است که با به‌کارگیری آن‌ها در بخش معادن و همچنین کارخانجات تولید فولاد و... مانع از رشد بزهکاری و تحمیل هزینه‌های اجتماعی به کشور خواهد شد که این موضوع نیز بر حفظ و تحکیم امنیت ملی خواهد افزود.

باتوجه به این‌که یکی از فاکتورهایی که می‌تواند امنیت اقتصادی کشور را مورد حمله قرار دهد تورم افسارگسیخته و نارضایتی عمومی افراد جامعه است؛ از این رو، انتظار می‌رود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور با اتخاذ تدابیری از بروز تورم‌های مداوم در اقتصاد کشور جلوگیری نمایند. باتوجه به این‌که بازار برخی محصولات از جمله لوازم خانگی، خودرو، مسکن و... به شدت از قیمت فولاد و محصولات فولادی در کشور متأثر است به همین دلیل دولت به منظور جلوگیری از انتقال تورم به بخش مصرف‌کننده نهایی با مداخله در سیستم قیمت‌گذاری بازار فولاد از طریق وضع برخی قوانین و مصوبات ورود پیدا کرده است. این موضوع در صورتی می‌تواند مانع از عدم رضایت عمومی در جامعه گردد که شاهد عدم انتقال افزایش قیمت محصولات به بخش مصرف‌کننده در کشور بوده باشیم، اما شواهد نشان می‌دهد در سال‌های اخیر روند افزایشی محصولات یادشده به شدت صعودی بوده است. بنابراین می‌توان گفت مداخلات دولت در سیستم قیمت‌گذاری صنعت فولاد کشور، به‌طور غیرمستقیم فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد را به‌جای تولید رونق

نکته دست یافت که تولید برخی محصولات در زنجیره فولاد در سال‌های آتی با کمبود مواجه خواهد شد تا جایی که احتمال می‌رود کشور مجبور به واردات مواد اولیه تولید فولاد شود. این در حالی است که انتخاب استراتژی درست در این زمینه می‌تواند از وقوع این وضعیت پیشگیری نماید. صدور بی‌رویه مجوز احداث واحدهای معدنی و صنایع معدنی در زنجیره فولاد بدون در نظر گرفتن مزیت‌های منطقه‌ای و آمایش سرزمین، موجب به هم خوردن توازن زنجیره و ایجاد چالش در دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت به جای مداخلات قیمتی در بازار فولاد، با هدفمند نمودن سیاست‌های حمایتی خود از بخش صنعت و معدن و اولویت‌بندی بر اساس مطالعات کارشناسی و آمایش سرزمین بیش از پیش در این عرصه مؤثر واقع شود.

- فراهم نمودن زمینه‌های حضور گسترده بخش خصوصی: با توجه به ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر واگذاری بنگاه‌های دولتی و کاهش حجم تصدی‌گری دولت و انجام برخی اقدامات به منظور عملیاتی نمودن این قانون اما متأسفانه شاهد عدم وجود و ورود بخش خصوصی قوی در عرصه تولید فولاد کشور بوده‌ایم. شاید بتوان از جمله عوامل عدم مشارکت بخش خصوصی در این حوزه را ناشی از عدم حمایت صحیح و اصولی دولت از بخش خصوصی، عدم صرفه‌های ناشی از مقیاس در کارخانجات بخش خصوصی در مقایسه با کارخانجات دولتی، وجود واردات بی‌رویه

افزایش دلالتی، احتکار، عدم توازن در زنجیره فولاد کشور و... گردیده است. بنابراین به‌منظور بهبود شرایط موجود در کشور برخی راهکارها به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

- **توقف روند مداخله‌ای دولت:** تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که وجود مداخلات دولت در زنجیره تولید فولاد با موفقیت چندانی مواجه نبوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت با کاهش مداخلات خود مانع از ایجاد رانت و فساد در این صنعت گردد زیرا همان‌طور که اشاره شد نقش فعال دولت در زمینه قیمت‌گذاری فولاد و محصولات فولادی به دلیل وجود تفاوت فاحش میان قیمت‌های داخلی و جهانی، موجب پدید آمدن واسطه‌گری و دلالتی در این سیستم شده است. بنابراین توقف روند مداخله‌ای دولت و در مقابل تقویت نقش نظارتی دولت می‌تواند بیش از پیش به بهبود این بازار کمک نماید.

- **ایجاد بازار رقابتی در صنعت فولاد:** با توجه به این‌که تعیین قیمت توسط مکانیسم عرضه و تقاضا همواره یکی از روش‌های بسیار مناسب برای جلوگیری از ایجاد رانت محسوب می‌شود، در زنجیره تولید فولاد نیز به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای مقابله با سوءاستفاده ذی‌نفعان، ایجاد نظام رقابتی و تعیین قیمت توسط مکانیسم بازار می‌باشد. این موضوع به دلیل وجود نوسانات ارزی و در نتیجه شکاف قیمتی فاحش میان ارزش تولیدات داخلی با خارج بیش از پیش اهمیت می‌یابد.

- **تأمین مواد اولیه زنجیره فولاد از داخل:** در بررسی تولیدات مختلف زنجیره فولاد می‌توان به این

شمس فولادی صفر اقدام کند و نهایتاً به منظور رونق بازارهای صادراتی، مشوق‌های صادراتی را برای محصولات پایین‌دست، از جمله میلگرد و... در دستور کار قرار دهد.

منابع

- آسیب‌شناسی صنعت فولاد کشور با تأکید بر سیاست‌های تنظیم بازار در سال ۱۳۹۷، (زمستان ۱۳۹۷)، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، گروه پژوهش‌های صنعت و معدن.
- بهادری، صادق احمدی. بابک و مهدی، (اردیبهشت ۱۳۹۹)، بررسی نقش تنظیم‌گری دولت در توازن زنجیره فولاد، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۶۹۹۳.
- مقصودی، ابراهیم، (دی ۱۳۸۹)، بررسی بخش فولاد در سال‌های مختلف برنامه چهارم، مشکلات و راهکارها، گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس؛ شماره مسلسل ۱۰۵۷۵.

محصولات چینی و با قیمتی پایین‌تر از قیمت بازار و... دانست. می‌توان یکی از دلایل اصلی عدم توان رقابت بخش خصوصی با بخش دولتی را کنترل مدیریت شده قیمت در بازار فولاد توسط وزارت صنایع و معادن دانست. به این صورت که قیمت محصولات فولادی در بورس کالا، به شکلی نامحسوس توسط کارخانجات دولتی عرضه‌کننده در بورس کنترل می‌شود.^۱ موارد مطرح شده عرصه را برای حضور پرنرنگ بخش خصوصی و ورود آن در این عرصه تنگ می‌نماید. بنابراین حاکمیت ساختار دولتی در این حوزه منجر به عدم اجرای دقیق خصوصی‌سازی صنعت فولاد در کشور شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود به منظور حضور هر چه قوی‌تر بخش خصوصی در این عرصه، رفع موانع موجود بررسی و مرتفع گردد.

- **وضع عوارض صادراتی پلکانی:** تجربه سال‌های قبل نشان می‌دهد وضع عوارض صادراتی یکسان در کل زنجیره تولید فولاد، صادرات محصولات این زنجیره را، به رغم عدم نیاز داخل به این محصولات با مشکل مواجه نموده و در نهایت مانع از انتفاع کشور از ارز حاصل از صادرات آن محصولات شده است. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود دولت با وضع عوارض صادراتی به شکل پلکانی از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری نماید. به این صورت که در طول زنجیره تولید فولاد کشور به ترتیب با عوارض صادراتی بیشتر بر روی سنگ آهن، کنسانتره کمتر و

۱. گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس؛ بررسی بخش فولاد در سال‌های مختلف برنامه چهارم، مشکلات و راهکارها، شماره مسلسل ۱۰۵۷۵، دی ماه ۱۳۸۹.